



Analysis of the Economic and Social Impacts of Demographic Transition in Iran: A Study Using the Meta-Synthesis Method ,(Document Type : Original Research Paper)

Dariush Hatami Varzaneh¹

1- PhD, Imam Hossein University, Tehran, Iran. Email: dhatami68@yahoo.com

Received: 23 September 2025; **Revised:** 04 October 2025; **Accepted:** 11 October 2025; **Published:** 21 August 2026

ABSTRACT

Purpose: In recent decades, the triple nexus between climate change, environmental migration, and urbanization has become one of the most important research topics in the field of urban sustainability.

Methodology: The present study uses a qualitative content analysis method and a systematic review of (25) international scientific studies published between (2020) and (2025) to explore concepts, key themes, and conceptual gaps in the literature related to climate migration and urban resilience..

Findings: The findings are organized into three overarching themes: (1) the dynamics of climate migration in the context of environmental change, (2) the impacts of climate migration on urban resilience and sustainability, and (3) resilient policymaking towards climate migration. This research attempts to present a comprehensive picture of the challenges and opportunities of climate migration in an urban context by drawing a network of key concepts such as climate justice, water and resource linkages, adaptive migration, and participatory governance. The findings can provide a basis for designing integrated, sustainable, and justice-oriented policies in the face of urban climate migration.

Research limitations: The results of the analysis show that climate migration is a multidimensional phenomenon that takes shape in the context of the dynamic interaction of climatic, social, and institutional factors.

Keywords: Demographic transition, economic, social, meta composition, Population aging

Cite this Paper: Hatami Varzaneh'D. Analysis of the Economic and Social Impacts of Demographic Transition in Iran: A Study Using the Meta-Synthesis Method. Governance of Population and Family, 2(6),71-86

©(2025) The Author, Governance of Population and Family Published by Imam Hossien University

This is an Open access article under the CC- BY 4.0 license.(<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)



مهاجرت اقلیمی در بستر شهرنشینی: چالش‌ها، روندها و سیاست‌گذاری تاب‌آوری با رویکرد تحلیل مضمون (مقاله پژوهشی با اصالت)

داریوش حاتمی رزنه^۱

Email: dhatami68@yahoo.com

۱- دکتری تخصصی، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۰۱ مهر ۱۴۰۴؛ تاریخ بازنگری: ۱۲ مهر ۱۴۰۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۹ مهر ۱۴۰۴؛ تاریخ انتشار: ۳۰ مرداد ۱۴۰۵

چکیده

هدف: در دهه‌های اخیر، پیوند سه‌گانه میان تغییرات اقلیمی، مهاجرت زیست‌محیطی و شهرنشینی به یکی از مهم‌ترین موضوعات پژوهش در حوزه پایداری شهری تبدیل شده است.

روش پژوهش: پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل مضمون کیفی و مرور نظام‌مند (۲۵) پژوهش علمی بین‌المللی منتشر شده در بازه زمانی (۲۰۲۰) تا (۲۰۲۵) به واکاوی مفاهیم، مضامین کلیدی و شکاف‌های مفهومی در ادبیات مرتبط با مهاجرت اقلیمی و تاب‌آوری شهری می‌پردازد.

یافته‌ها: یافته‌ها در سه مضمون فراگیر سازمان یافته‌اند: (۱) پویایی‌های مهاجرت اقلیمی در بستر تغییرات زیست‌محیطی (۲) تأثیرات مهاجرت اقلیمی بر تاب‌آوری و پایداری شهری و (۳) سیاست‌گذاری تاب‌آور در قبال مهاجرت اقلیمی. این پژوهش با ترسیم شبکه‌ای از مفاهیم کلیدی همچون عدالت اقلیمی، همبست آب و منابع، مهاجرت سازگارانه و حکمرانی مشارکتی تلاش می‌کند تصویری جامع از چالش‌ها و فرصت‌های مهاجرت اقلیمی در بستر شهری ارائه دهد. یافته‌ها می‌توانند مبنایی برای طراحی سیاست‌های تلفیقی، پایدار و عدالت‌محور در مواجهه با مهاجرت اقلیمی شهری فراهم آورند.

نتیجه‌گیری: نتایج تحلیل نشان می‌دهد که مهاجرت اقلیمی پدیده‌ای چندبعدی است که در بستر تعامل پویای عوامل اقلیمی، اجتماعی و نهادی شکل می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: تغییرات اقلیمی؛ مهاجرت زیست‌محیطی؛ تاب‌آوری شهری؛ عدالت اقلیمی؛ همبست آب و منابع.

مقدمه و بیان مسئله

در آغاز هزاره سوم، پیوند بین تغییرات اقلیمی، گسترش شهرنشینی و تحرکات جمعیتی به یکی از برجسته‌ترین نگرانی‌های جهانی در حوزه توسعه پایدار بدل شده است. جمله‌ای که به‌خوبی این وضعیت را توصیف می‌کند آن است که «آنجا که زمین دیگر پاسخگو نیست، مردم حرکت می‌کنند». شهرها به‌مثابه قطب‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، همزمان با پذیرش موج عظیم جمعیت مهاجر، در معرض تنش‌های محیط‌زیستی، انرژی و امنیت اقتصادی قرار دارند. افزایش فراوانی رویدادهای شدید اقلیمی، همچون خشکسالی، سیل و گرمایش شدید، زندگی و معیشت میلیون‌ها نفر را به خطر انداخته و آن‌ها را ناگزیر به جابه‌جایی کرده است. این روند نه‌تنها در مناطق حاشیه‌ای و کشاورزی، بلکه در مناطق شهری نیز به‌طور فزاینده‌ای مشهود است، زیرا زیرساخت‌های شهری غالباً ناتوان از پاسخگویی به فشارهای زیست‌محیطی و جمعیتی هستند (Lukaniszyn-Domaszewska et al., 2025). پژوهش‌ها درباره تعامل میان تغییرات اقلیمی، مهاجرت زیست‌محیطی و پایداری شهری در دهه‌های اخیر رشد چشمگیری داشته است. مفهوم «مهاجرت اقلیمی» نخستین بار در دهه ۱۹۸۰ وارد ادبیات علمی شد، اما در دهه‌های اخیر با شدت‌گیری بلایای طبیعی، کمبود منابع و تغییرات دمایی، به مسئله‌ای بنیادین در دستور کار سیاست‌گذاران و پژوهشگران تبدیل شده است. مهاجرت ناشی از عوامل زیست‌محیطی، که گاه در مرز میان مهاجرت داوطلبانه و جابه‌جایی اجباری قرار می‌گیرد، به‌ویژه در بافت شهرنشینی ابعاد جدیدی یافته است. شهرها، هم مقصد این جابه‌جایی‌ها هستند و هم به دلیل تراکم‌پذیری و مصرف انرژی بالا، خود عامل تشدید تغییرات اقلیمی محسوب می‌شوند (Folke, 2020; Sirkeci & Cohen, 2022).

بررسی متون علمی منتشرشده در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از مطالعات، به‌صورت جداگانه به یکی از مؤلفه‌های این سه‌گانه (اقلیم، مهاجرت، شهرنشینی) پرداخته‌اند و مطالعاتی که نگاه کل‌نگر و تلفیقی به روابط میان آن‌ها داشته باشند، بسیار محدودترند. برای مثال، در حالی که پژوهش‌هایی مانند (Akrofi et al., 2023) بر پیامدهای اجتماعی و جبر مهاجرت ناشی از پروژه‌های انرژی پاک تأکید دارند، دیگر مطالعات مانند (Taghizadeh-Hesary et al., 2024) بیشتر به نقش گذار انرژی در کنترل مهاجرت پرداخته‌اند. همچنین، مطالعاتی چون (Ogbolumani and Nwulu, 2023) به روابط پیچیده میان همبست آب و منابع (آب-انرژی-غذا) و فشار مهاجرت اشاره دارند، اما تأثیر ساختاری این روندها بر تاب‌آوری مناطق شهری کمتر واکاوی شده است. با وجود تنوع موضوعی مطالعات پیشین، چند شکاف کلیدی در ادبیات شناسایی می‌شود. نخست، بیشتر مطالعات موجود از نوع کمی، موردی یا سیاست‌محور هستند و کمتر به تحلیل درون‌مایه‌ای و معنایی محتوای ادبیات و ساختار مفهومی آن‌ها توجه کرده‌اند. دوم، نسبت بین مهاجرت زیست‌محیطی و تاب‌آوری شهرها به‌ندرت با رویکرد ساختاری و مضمون‌محور تحلیل شده است. سوم، پژوهش‌ها عمدتاً به کشورهای خاص (به‌ویژه در جنوب آسیا و آفریقا) تمرکز داشته و تصویر جامعی از تجربه جهانی در زمینه مواجهه شهری با مهاجرت اقلیمی ترسیم نشده است (Crescenzi et al., 2023).

پژوهش حاضر با هدف پر کردن این شکاف‌ها، از رویکرد «تحلیل مضمون» به‌عنوان روش اصلی خود استفاده می‌کند. در این روش، مجموعه‌ای از متون علمی منتخب با رویکرد مرور کیفی مورد بررسی قرار گرفته و مفاهیم، الگوهای معنایی و مضامین کلیدی مرتبط با سه محور تغییرات اقلیمی، مهاجرت زیست‌محیطی و چالش‌های پایداری شهری استخراج و تحلیل می‌شوند. این تحلیل از طریق شناسایی مضامین پنهان در لایه‌های محتوایی، تلاش دارد تا به‌صورت تفصیلی نشان دهد که ادبیات علمی چگونه این روابط پیچیده را فهم و بازنمایی کرده و در چه بخش‌هایی از نظریه‌پردازی یا توصیه‌های سیاستی دچار ضعف یا ابهام است.

پرسش‌های اصلی این تحقیق عبارت‌اند از:

- (۱) مهم‌ترین مضامین معنایی و رویکردهای مفهومی در ادبیات پژوهشی مرتبط با مهاجرت اقلیمی و شهرنشینی چیست؟
 - (۲) چه درک‌هایی از رابطه میان تاب‌آوری شهری، گذار انرژی و مهاجرت زیست‌محیطی در ادبیات علمی وجود دارد؟
 - (۳) چه گسست‌های تحلیلی یا شکاف‌های مفهومی در متون موجود مشاهده می‌شود و چگونه می‌توان آن‌ها را پر کرد؟
- نوآوری این مطالعه در استفاده از روش تحلیل مضمون برای بازشناسی ساختار معنایی و مفهومی ادبیات علمی بین‌المللی است. برخلاف رویکردهای کمی یا صرفاً توصیفی، این پژوهش تلاش دارد به درک ژرف‌تری از مفاهیم کلیدی مانند «تاب‌آوری منطقه‌ای»، «عدالت اقلیمی»، «مهاجرت سازگارانه» و «تاب‌آوری انرژی» برسد و شبکه‌ای از معانی ضمنی که در پس متون پژوهشی نهفته‌اند را آشکار سازد. علاوه بر این، مطالعه حاضر می‌تواند در طراحی سیاست‌های یکپارچه در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی برای مقابله با مهاجرت‌های اقلیمی شهری و چالش‌های زیربنایی ناشی از آن مفید واقع شود.
- پژوهش حاضر در ادامه به‌صورت زیر سازمان یافته است: بخش دوم به مرور نظام‌مند ادبیات منتخب و توجیه چارچوب مفهومی و انتخاب منابع اختصاص دارد. در بخش سوم، روش تحلیل مضمون، فرآیند کدگذاری، استخراج مضامین و مراحل تحلیل کیفی تشریح می‌شود. بخش چهارم، یافته‌های اصلی شامل شناسایی مضامین اصلی و فرعی، الگوهای معنایی و نقاط همگرایی و واگرایی را ارائه می‌دهد. در بخش پنجم، بحث و تفسیر انتقادی نتایج در پرتو ادبیات و سیاست‌های جاری صورت می‌گیرد. نهایتاً، بخش ششم به جمع‌بندی، بیان محدودیت‌ها و ارائه پیشنهادات برای تحقیقات آینده می‌پردازد.

ادبیات نظری

تاریخچه و تحول مفهومی مهاجرت زیست‌محیطی و شهرنشینی اقلیمی

مهاجرت زیست‌محیطی^۱ به‌عنوان یک حوزه میان‌رشته‌ای از تقاطع جغرافیا، اقلیم‌شناسی، جامعه‌شناسی و سیاست‌گذاری عمومی پدید آمده است. نخستین بار در دهه (۱۹۸۰) مفهومی تحت عنوان «مهاجرت ناشی از محیط‌زیست» در اسناد و ادبیات سازمان ملل و نهادهای پژوهشی ظاهر شد، اما تمرکز پژوهش‌ها عمدتاً معطوف به بلایای طبیعی ناگهانی مانند زلزله و سیل بود و کمتر به تغییرات تدریجی محیطی توجه داشتند (Black et al., 2011). با گذر زمان، به‌ویژه از اوایل دهه (۲۰۰۰)، بحران‌های اقلیمی مزمنی نظیر خشکسالی، کاهش سطح آب‌های زیرزمینی، افزایش دمای زمین و شور شدن خاک، در کانون توجه قرار گرفتند و مهاجرت به‌عنوان پیامد غیرمستقیم تغییرات اقلیمی شناخته شد. در همین دوره، مفاهیمی چون «مهاجرت اقلیمی^۲» و «پناهجوی اقلیمی» وارد ادبیات حقوقی و بین‌المللی شد، هرچند هنوز تعریف واحد و پذیرفته‌شده‌ای در سطح بین‌المللی برای آن‌ها وجود ندارد (Carlier et al, 2021). این عدم اجماع مفهومی موجب شده است که تفسیرها درباره داوطلبانه یا اجباری بودن مهاجرت زیست‌محیطی و نیز دامنه و پیامدهای حقوقی آن، دچار تنوع و گاه تناقض باشند.

هم‌زمان با رشد بحران اقلیمی، روند شهرنشینی نیز به‌ویژه در کشورهای جنوب جهانی شتاب گرفته است. شهرها، که پیش‌تر به‌عنوان مقصدی برای فرصت‌های اقتصادی مطرح بودند، اکنون به محل تمرکز آسیب‌پذیری‌های اقلیمی و اجتماعی بدل شده‌اند. مهاجرت داخلی و درون‌مرزی ناشی از کم‌آبی، فرسایش خاک، کاهش بهره‌وری کشاورزی و بی‌ثباتی معیشتی، موجب افزایش فشار جمعیتی بر مناطق شهری شده است. شهرها در عین حال که مقصد این مهاجران هستند، به‌دلیل مصرف انرژی بالا، تولید گازهای گلخانه‌ای و گسترش بی‌رویه کالبدی، خود در تسریع روند تغییرات اقلیمی نقش دارند (Folke, 2020). در دهه اخیر، مطالعات

1. Environmental Migration

2. Climate Migration

جدیدتر از رویکردهای سیستم‌های پیچیده، همبست آب و منابع و رویکردهای تاب‌آوری برای تحلیل بهتر تعامل بین اقلیم، مهاجرت و شهرنشینی استفاده کرده‌اند. برای نمونه، (Ogbolumani & Nwulu, 2023). مدل همبست آب و منابع (نکسوس ۱) را برای درک بهتر فشار مهاجرت بر منابع شهری به کار گرفته‌اند. این تحول مفهومی نشان از گذار از نگاه خطی به مهاجرت اقلیمی به سوی نگرش سیستمی و تعاملی دارد.

تعاریف و مفاهیم کلیدی در مهاجرت زیست‌محیطی و پایداری شهری

در تحلیل مضمون متون علمی، چند مفهوم کلیدی در قلب ادبیات مربوط به تغییرات اقلیمی و مهاجرت زیست‌محیطی قابل شناسایی است. نخست، خود مفهوم «مهاجرت زیست‌محیطی» که توسط سازمان بین‌المللی مهاجرت^۲ تعریف شده است، به جابه‌جایی‌هایی اطلاق می‌شود که در اثر تغییرات ناگهانی یا تدریجی در محیط‌زیست، زندگی مردم را مختل کرده و آن‌ها را ناگزیر به ترک محل سکونت خود کرده است. این تعریف شامل طیف وسیعی از جابه‌جایی‌ها می‌شود: داخلی و بین‌المللی، دائم و موقت، داوطلبانه و اجباری (Łukaniszyn-Domaszewska et al., 2025).

تاب‌آوری شهری^۳ و پایداری شهری^۴

تاب‌آوری شهری به توانایی سیستم‌های شهری در مقاومت در برابر شوک‌ها و بازیابی از بحران‌ها اطلاق می‌شود. در زمینه مهاجرت اقلیمی، تاب‌آوری شامل زیرساخت‌های فیزیکی، نظام‌های مدیریتی و ظرفیت اجتماعی برای جذب و اسکان مهاجران است. به بیان دیگر، تاب‌آوری نه فقط درباره دوام ساختاری شهرها، بلکه درباره ظرفیت انطباق آن‌ها با دگرگونی‌های جمعیتی و محیطی است (Crescenzi et al., 2023). پایداری شهری نیز متشکل از سه بعد کلیدی پایداری زیست‌محیطی (مانند کنترل آلودگی و کاهش اثرات اقلیمی)، پایداری اقتصادی (مانند اشتغال و عدالت توزیعی) و پایداری اجتماعی (مانند انسجام اجتماعی، مشارکت و کاهش تبعیض). در زمینه مهاجرت، این سه بعد به‌طور مستقیم تحت تأثیر ورود مهاجران زیست‌محیطی قرار می‌گیرند و می‌توانند تقویت یا تضعیف شوند (Wang et al., 2020).

عدالت اقلیمی^۵

عدالت اقلیمی به نابرابری‌های ساختاری و تاریخی در مواجهه با تغییرات اقلیمی اشاره دارد؛ بدین معنا که برخی کشورها و اقشار با اینکه کمترین نقش را در تولید آلاینده‌ها داشته‌اند، بیشترین آسیب را می‌بینند (Barnwell & Wood, 2022). این مفهوم، تأثیر نامتناسب تغییرات اقلیمی بر جمعیت‌های آسیب‌پذیر، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه را برجسته می‌کند. این جوامع اغلب فاقد منابع و زیرساخت‌های لازم برای سازگاری یا کاهش اثرات افزایش دما، رویدادهای شدید آب و هوایی و سایر چالش‌های مرتبط با آب و هوا هستند. در نتیجه، مدافعان عدالت اقلیمی، خواستار توزیع عادلانه‌تر مسئولیت‌ها و منابع در پرداختن به مسائل جهانی آب و هوا هستند و بر لزوم اقدامات بیشتر کشورهای توسعه‌یافته و حمایت از آسیب‌دیدگان تأکید می‌کنند (Betzold & Weiler, 2017).

1. FEW
2. International Organization for Migration - IOM
3. Urban Resilience
4. Urban Sustainability
5. Climate Justice

مهاجرت سازگارانه^۱

مهاجرت سازگارانه به جابه‌جایی‌هایی اطلاق می‌شود که آگاهانه و برنامه‌ریزی شده برای بهبود وضعیت معیشتی و کاهش ریسک اقلیمی انجام می‌گیرد (Szaboova et al., 2023). بنابراین، فهم مهاجرت زیست‌محیطی در چارچوب شهری نیازمند درک پیچیدگی‌ها و درهم‌تنیدگی مفاهیمی است که به‌طور متقابل بر هم تأثیر می‌گذارند و موجب خلق چالش‌های چندلایه برای سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و شهروندان می‌شوند. بنابراین هدف از چنین رویکردی استراتژیک به جابجایی جمعیت، بهبود شرایط زندگی و کاهش خطرات مرتبط با آب و هوا است (Salameh & Touqan, 2024). این مفهوم شامل جابجایی‌های عمدی و برنامه‌ریزی شده است که برای مقابله با چالش‌های ناشی از تغییرات محیطی و بهبود کیفیت کلی زندگی طراحی شده‌اند. با ادامه رشد شهرها و مواجهه با فشارهای فزاینده محیطی، مهاجرت تطبیقی به یک ملاحظه حیاتی در برنامه‌ریزی و توسعه شهری تبدیل می‌شود. این امر مستلزم درک جامع از روابط پیچیده بین تغییرات اقلیمی، زیرساخت‌های شهری، عوامل اجتماعی - اقتصادی و رفتار انسان است (Miller & Dun, 2019). با گنجاندن استراتژی‌های مهاجرت تطبیقی در سیاست‌های شهری، شهرها می‌توانند برای چالش‌های زیست‌محیطی بهتر آماده شوند و به آنها پاسخ دهند و در نهایت محیط‌های شهری مقاوم‌تر و پایداری را برای ساکنان خود ایجاد کنند (Ottenburger et al., 2024).

عوامل مؤثر بر مهاجرت زیست‌محیطی و چالش‌های شهرنشینی

مطالعات تحلیل مضمون نشان می‌دهد که عوامل مؤثر بر مهاجرت زیست‌محیطی در سه سطح کلان، میانی و خرد قابل طبقه‌بندی هستند. در سطح کلان، عوامل اقلیمی مانند تغییر الگوهای بارندگی، افزایش دما، بالا آمدن سطح دریا و رویدادهای حدی مانند سیل و خشکسالی، نقشی اساسی ایفا می‌کنند. این عوامل اغلب منجر به کاهش منابع آب، از بین رفتن اراضی کشاورزی و ناامنی غذایی می‌شوند که در نهایت، فشار برای جابه‌جایی جمعیت را افزایش می‌دهند (Smolenaars et al., 2024).

در سطح میانی، عوامل اقتصادی - اجتماعی نقش مهمی دارند. فقر، بیکاری، نبود زیرساخت‌های اساسی، عدم دسترسی به منابع انرژی و فقدان خدمات عمومی، همگی عواملی هستند که در تعامل با تغییرات اقلیمی، موجب افزایش مهاجرت می‌شوند. برای مثال، مطالعه (Akrofi et al., 2023) نشان می‌دهد که پروژه‌های انرژی پاک در آفریقا اگر بدون عدالت اجتماعی طراحی شوند، می‌توانند منجر به جابه‌جایی اجباری ساکنان محلی و نابرابری‌های جدید شوند. در سطح خرد ویژگی‌های فردی و خانوادگی مانند سطح تحصیلات، شبکه‌های اجتماعی، جنسیت، وضعیت اقتصادی و دسترسی به اطلاعات نقش تعیین‌کننده‌ای در تصمیم مهاجرت دارند. خانواده‌هایی که دارای منابع مالی، روابط اجتماعی قوی و دسترسی به اطلاعات هستند، بیشتر به مهاجرت سازگارانه و پیش‌گیرانه گرایش دارند، در حالی که گروه‌های آسیب‌پذیر اغلب ناگزیر به مهاجرت واکنشی می‌شوند (Singh, 2022).

از سوی دیگر، شهرها نیز با چالش‌های متعددی در برابر موج مهاجرت‌های زیست‌محیطی مواجه‌اند. این چالش‌ها شامل فشار بر زیرساخت‌های آب، فاضلاب، برق و حمل‌ونقل، افزایش قیمت مسکن، گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی و افزایش تنش‌های اجتماعی است. بسیاری از شهرها فاقد برنامه‌ریزی‌های میان‌مدت و بلندمدت برای جذب و اسکان مهاجران اقلیمی هستند. این وضعیت می‌تواند موجب افزایش نابرابری، بی‌ثباتی سیاسی و تضعیف انسجام اجتماعی شود (Sirkeci & Cohen, 2022).

در مجموع، مهاجرت زیست‌محیطی نه‌فقط ناشی از اقلیم، بلکه نتیجه تعامل پیچیده میان مؤلفه‌های طبیعی، اقتصادی، نهادی و فرهنگی است و مدیریت آن نیازمند تحلیل‌های چندسطحی و میان‌رشته‌ای است.

مدل‌های تحلیلی و چارچوب‌های نظری مرتبط با مهاجرت اقلیمی

برای تبیین پدیده مهاجرت اقلیمی در بستر شهرنشینی، مدل‌ها و چارچوب‌های نظری مختلفی در دهه گذشته پیشنهاد شده‌اند. یکی از مدل‌های پرکاربرد، مدل نکسوس آب - انرژی - غذا^۱ است که بر تعامل منابع طبیعی و تقاضاهای انسانی در شرایط اقلیمی و مهاجرتی تمرکز دارد. این مدل نشان می‌دهد که مهاجرت زیست‌محیطی می‌تواند نظم نکسوسی منابع را در شهرها بر هم زده و بر امنیت انرژی، امنیت غذایی و مدیریت منابع آب تأثیر منفی بگذارد (Ogbolumani & Nwulu, 2023). از سوی دیگر، چارچوب تاب‌آوری منطقه‌ای^۲ که بیشتر در مطالعات برنامه‌ریزی شهری و سیاست‌گذاری استفاده می‌شود، بر ظرفیت سیستم‌های شهری در مقابله با فشارهای بیرونی و احیای عملکرد طبیعی شهر تأکید دارد. در این چارچوب، مهاجرت به‌عنوان یک شوک اجتماعی-جمعیتی دیده می‌شود که در صورت نبود ساختار پاسخ‌گو، می‌تواند منجر به فروپاشی سیستم‌های اجتماعی شود (Crescenzi et al., 2023).

در حوزه نظری، نظریه «عدالت اقلیمی» جایگاه مهمی یافته است. این نظریه با الهام از نظریات عدالت اجتماعی، به توزیع نابرابر پیامدهای اقلیمی و ظرفیت انطباق اقشار مختلف توجه دارد. مطابق این رویکرد، مهاجرت اقلیمی غالباً نتیجه نابرابری‌های تاریخی در تولید آلودگی، توسعه‌نیافتگی زیرساختی و عدم‌دسترسی به فرصت‌های تطبیق است (Taghizadeh-Hesary et al., 2024). بنابراین، نظریه مهاجرت به‌مثابه سازگاری^۳ نیز در مطالعات جدید مورد توجه قرار گرفته است. این نظریه مهاجرت را نه‌فقط واکنش به بحران، بلکه یک راهبرد تطبیقی فعالانه در برابر شرایط اقلیمی می‌داند. بر اساس آن، مهاجرت می‌تواند منبع تاب‌آوری خانوارها و جوامع باشد، مشروط بر اینکه به‌درستی هدایت شود (Szaboova et al., 2023). این چارچوب‌ها امکان تحلیل چندلایه‌ای را فراهم می‌کنند که در آن، مهاجرت نه‌تنها یک پیامد، بلکه بخشی از چرخه کنش و واکنش اقلیمی - اجتماعی است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل مضمون، می‌کوشد این الگوهای نظری را در ادبیات استخراج و طبقه‌بندی کند.

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش مرتبط با مسئله پژوهش با تأکید بر منابع انتشار یافته معتبر بین‌المللی در پنج سال اخیر مطابق با جدول (۱) ارائه شد.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	منبع (سال)	عنوان پژوهش	روش پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج
۱	(Black et al., 2011)	مهاجرت به‌مثابه راهبرد سازگاری	تحلیلی - سیاست‌محور	پژوهش کلاسیکی که نخستین بار مهاجرت را نه به‌عنوان شکست تطبیق، بلکه به‌عنوان یک راهبرد فعالانه برای سازگاری با تغییرات اقلیمی معرفی کرد. نویسندگان بر نقش مهاجرت داوطلبانه، حمایت‌های بین‌المللی و بازطراحی سیاست‌های توسعه‌ای تأکید دارند.
۲	(Folke, 2020)	روندهای جهانی تاب‌آوری و پایداری	مروری - نظری	این مطالعه مفهوم تاب‌آوری را به‌عنوان ظرفیت سیستم‌های انسانی و طبیعی برای تغییر، انطباق و تحول تعریف کرده و تأکید دارد که پایداری نباید تنها معطوف به زیرساخت، بلکه شامل نهادهای اجتماعی، منابع و سیاست‌های کلان نیز باشد. نویسندگان بر ضرورت گذار از تفکر خطی به سیستم‌های سازگار و چندبُعدی تأکید می‌کنند.

1. FEW Nexus
2. Regional Resilience
3. Migration as Adaptation

ردیف	منبع (سال)	عنوان پژوهش	روش پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج
۳	(Sirkeci & Cohen, 2022)	تحرك پذیری زیست محیطی و واکنش شهری	ترکیبی - تطبیقی	این پژوهش نشان می‌دهد که واکنش شهرها نسبت به مهاجرت زیست محیطی بسیار متفاوت و غالباً ناکافی است. نبود چارچوب‌های برنامه‌ریزی برای اسکان پایدار مهاجران، نابرابری و فشار بر خدمات شهری را افزایش می‌دهد. همچنین، سیاست‌گذاری اقلیمی شهری با چالش هماهنگی نهادی روبه‌رو است.
۴	(Singh, 2022)	آسیب‌پذیری اقلیمی شهری و مهاجرت داخلی	تحلیلی - سیستم‌محور	با تمرکز بر هند، این مطالعه نشان می‌دهد که افزایش آسیب‌پذیری اقلیمی در نواحی روستایی منجر به مهاجرت گسترده به شهرها شده، اما بیشتر شهرها فاقد برنامه اسکان و توان تاب‌آوری‌اند. نویسنده بر طراحی سیاست‌های تلفیقی اقلیم-مهاجرت تأکید می‌کند.
۵	(Akrofi et al., 2023)	عدالت انرژی در آفریقا: جابه‌جایی ناشی از پروژه‌های انرژی	کیفی - تحلیل موردی	بررسی پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر در غرب آفریقا نشان می‌دهد که این پروژه‌ها اگر بدون توجه به عدالت اجتماعی طراحی شوند، می‌توانند منجر به مهاجرت اجباری و نابرابری شدید در بهره‌مندی از منابع شوند. پیشنهاد شده است سیاست‌گذاری انرژی با رویکرد مشارکتی و بومی‌محور صورت گیرد.
۶	(Crescenzi et al., 2023)	مهاجرت، توسعه منطقه‌ای و گذار انرژی	تحلیلی - داده‌محور	این مطالعه از طریق تحلیل داده‌های مقطعی نشان می‌دهد که مهاجرت می‌تواند هم‌افزا یا تضعیف‌کننده توسعه منطقه‌ای باشد. عامل تعیین‌کننده در این میان، ظرفیت تاب‌آوری نهادی و زیرساخت‌های تطبیق در مناطق مهاجرپذیر است. پژوهش بر لزوم سیاست‌گذاری تطبیقی منطقه‌ای تأکید دارد.
۷	(Szaboova et al., 2023)	مهاجرت به‌مثابه انطباق: مسیرها، چالش‌ها و ملاحظات	کیفی - تحلیل مضمون	این پژوهش مفهوم «مهاجرت سازگانه» را بررسی کرده و نشان می‌دهد که توانایی انتخاب مهاجرت وابسته به نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی و جنسیتی است. برخی مهاجرت‌ها موجب تاب‌آوری می‌شوند، اما سایرین باعث گسست اجتماعی و انزوای مهاجران می‌گردند. پیشنهاد شده سیاست‌ها منعطف و جامع باشند.
۸	(Ogbolumani & Nwulu, 2023)	مدل‌سازی تخصیص منابع در مهاجرت زیست محیطی (رویکرد- FEW N)	مدل‌سازی - کمی	با استفاده از چارچوب نکسوس آب-انرژی-غذا، پژوهش نشان می‌دهد که مهاجرت گسترده به شهرها در نتیجه تغییرات اقلیمی باعث اختلال در تأمین منابع و افزایش رقابت بر سر مصرف می‌شود. پژوهش تأکید دارد بر طراحی ابزارهای پیش‌بینی چندمنظوره برای مدیریت بهتر منابع شهری.
۹	(Smolenaars et al., 2024)	تقاضای انرژی و جابه‌جایی شهری در سناریوهای اقلیمی	مدل‌سازی - سناریو محور	این مطالعه پیش‌بینی می‌کند که با افزایش دما، افراد به‌ویژه در مناطق گرمسیری به سوی مناطق با اقلیم معتدل‌تر مهاجرت می‌کنند. این مهاجرت‌ها مصرف انرژی در مناطق مقصد را افزایش داده و زیرساخت‌های انرژی را با چالش مواجه می‌سازند. پژوهش بر نیاز به طرح‌های انرژی انعطاف‌پذیر تأکید می‌کند.
۱۰	(Łukaniszyn- Domaszewska et al., 2025)	آشکارسازی روابط مهاجرت، تغییر اقلیم و گذار انرژی	تحلیلی - میان‌رشته‌ای	پژوهش‌ای جامع که تلاش دارد روابط متقابل بین مهاجرت اقلیمی، گذار انرژی و تغییرات محیطی را تحلیل کند. نویسندگان تأکید دارند که نبود رویکردهای بین‌رشته‌ای و مدل‌های تصمیم‌گیری هماهنگ، مانع طراحی سیاست‌های مؤثر در این حوزه شده است. این پژوهش بر طراحی چارچوب‌های تحلیلی یکپارچه تأکید دارد.

بررسی نظام‌مند پیشینه فوق در پرتو ادبیات نظری نشان می‌دهد که ادبیات پژوهشی موجود، گرچه گام‌های مهمی در جهت فهم رابطه پیچیده میان مهاجرت اقلیمی، تاب‌آوری شهری و گذار انرژی برداشته، اما همچنان با شکاف‌های مفهومی و کاربردی متعددی روبه‌روست. مهم‌ترین این شکاف‌ها عبارت‌اند از:

(۱) فقدان مدل‌های تحلیلی یکپارچه و چندلایه: بیشتر مطالعات، تمرکز خود را بر یکی از ابعاد مهاجرت، اقلیم یا انرژی قرار داده‌اند. پژوهش حاضر با رویکرد تحلیل مضمون می‌کوشد این ابعاد را به‌صورت ترکیبی و نظام‌مند بررسی کند.

(۲) نبود چارچوب نظری بومی‌سازی‌شده: عمده پژوهش‌ها در بافت کشورهای توسعه‌یافته یا خاص مناطق جغرافیایی محدود بوده‌اند. ضرورت دارد مطالعاتی مبتنی بر تجربه مناطق جنوب جهانی، مانند خاورمیانه یا آفریقای شمالی، توسعه یابند.

(۳) توجه محدود به فرآیندهای معنادار تصمیم‌گیری مهاجران: اغلب پژوهش‌ها ماهیت مهاجرت را واکنشی یا آماری دیده‌اند، نه در قالب فرآیندهای معنادار انسانی که از درک و تفسیر بازیگران نشأت می‌گیرد. تحلیل مضمون ظرفیت پاسخ‌گویی به این خلأ را دارد.

(۴) کمبود توجه به سیاست‌گذاری شهری تطبیقی: شهرها به‌عنوان مقصد مهاجرت اقلیمی واکنش‌های بسیار متفاوتی دارند که تاکنون در چارچوبی تطبیقی و مقایسه‌ای مورد تحلیل قرار نگرفته‌اند.

(۵) بی‌توجهی به شکاف عدالت اقلیمی و ظرفیت جذب پایدار شهرها: به‌رغم برجسته‌سازی اهمیت عدالت اقلیمی، مدل‌های سیاست‌گذاری جامع برای پاسخ‌گویی به این نابرابری‌ها توسعه نیافته‌اند.

این خلأها ضرورت پژوهشی را تأیید می‌کنند که نه‌تنها از نظر مفهومی، بلکه از دیدگاه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی عملی، بتواند الگوهای پنهان و روندهای کلیدی در تعامل بین مهاجرت، اقلیم و توسعه شهری را آشکار سازد.

روش‌شناسی پژوهش

فلسفه حاکم بر این پژوهش، تفسیری^۱ است. این رویکرد برخاسته از جهان‌بینی سازه‌گرایی اجتماعی است که بر درک و تفسیر معانی ذهنی و تجربه‌شده توسط کنشگران انسانی تأکید دارد. با توجه به ماهیت موضوع پژوهش، یعنی «مهاجرت زیست‌محیطی در بستر تغییرات اقلیمی و چالش‌های پایداری شهری»، که مفهومی چندلایه، پویا و وابسته به بافت اجتماعی است، استفاده از فلسفه تفسیری این امکان را فراهم می‌آورد تا پژوهشگر به عمق تجربه‌ها، معانی و روابط مفهومی نهفته در متون علمی دست یابد. این فلسفه هم‌راستا با روش تحلیل مضمون، امکان کشف الگوها و زمینه‌های معنادار را در منابع علمی فراهم می‌سازد (Shadmanfar, 2025).

با توجه به فلسفه تفسیری پژوهش، رویکرد استقرایی^۲ به‌کار گرفته شده است. در این رویکرد، پژوهش از مشاهدات و داده‌های تجربی (در اینجا متون علمی معتبر) آغاز می‌شود و به سوی ساخت نظریه یا مدل مفهومی پیش می‌رود (Shadmanfar & Alipoor, 2024). برخلاف رویکرد قیاسی که مبتنی بر آزمون فرضیات از پیش تعریف‌شده است، در این مطالعه از طریق بررسی سیستماتیک منابع، الگوهای معنایی استخراج و دسته‌بندی می‌شود و در نهایت به شناسایی چالش‌ها، روندها و شکاف‌های مفهومی در حوزه مهاجرت زیست‌محیطی و شهرنشینی اقلیمی منجر می‌شود.

استراتژی این پژوهش، تحلیل مضمون^۳ است؛ روشی کیفی که برای شناسایی، تحلیل و تفسیر الگوهای معنایی در داده‌های متنی استفاده می‌شود. تحلیل مضمون به پژوهشگر این امکان را می‌دهد که از میان متون علمی، مفاهیم کلیدی را استخراج

1. Interpretivism
2. Inductive Approach
3. Thematic Analysis

کدگذاری و درون‌مایه‌های مفهومی را شناسایی کرده و روابط بین آن‌ها را بازنمایی کند (Hasani Ahangar et al., 2024). این رویکرد در مطالعات میان‌رشته‌ای، به‌ویژه در حوزه‌های محیط‌زیست، شهرسازی و سیاست‌گذاری، بسیار کاربرد دارد. پژوهش حاضر کیفی^۱ است و تمرکز آن بر تحلیل محتوای متون علمی و تولید دانش مفهومی است. داده‌ها به‌صورت متنی و غیراعدادی هستند و شامل مقالات علمی نمایه‌شده در پایگاه‌های اسکوپوس^۲ و وب آف ساینس^۳ در بازه زمانی (۲۰۲۰) تا (۲۰۲۵) می‌باشند. روش کیفی به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا از پیچیدگی و چندلایگی معانی در متون غافل نشود و روابط معنایی پنهان را کشف نماید.

این پژوهش دارای رویکرد مقطعی^۴ است. داده‌ها در بازه زمانی مشخص جمع‌آوری و تحلیل شده‌اند. انتخاب این بازه با هدف تمرکز بر جدیدترین مطالعات بین‌المللی درباره مهاجرت زیست‌محیطی و شهرنشینی اقلیمی انجام شده است تا آخرین روندهای علمی و چالش‌های نوظهور شناسایی شود. گردآوری داده‌ها از طریق مرور نظام‌مند و هدفمند متون علمی انجام شده است. مراحل آن به شرح جدول (۲) است:

جدول ۲. مرور نظام‌مند متون علمی

(TITLE-ABS-KEY("climate migration" OR "environmental displacement") AND TITLE-ABS-KEY("urban resilience" OR "urban adaptation") AND TITLE-ABS-KEY("sustainability challenges" OR "sustainable development")) AND (PUBYEAR > 2019 AND PUBYEAR < 2026) AND (LIMIT-TO(DOCTYPE, "ar")) AND (LIMIT-TO(LANGUAGE, "English"))	استراتژی جست‌وجو
Web of Science, Scopus	پایگاه‌های داده
نمایه‌شده، علمی پژوهشی، منتشرشده در بازه ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵، دارای کیفیت بالا (Q1/Q2)	معیارهای ورود
تمرکز بر مطالعاتی که به‌طور مستقیم به پیوند تغییرات اقلیمی، مهاجرت و شهرنشینی پرداخته‌اند.	معیارهای خروج

در مجموع ۲۵ پژوهش پس از غربال‌گری وارد فرآیند تحلیل مضمون شدند.

روش تحلیل داده‌ها

روش اصلی تحلیل داده‌ها، تحلیل مضمون براون و کلارک (Braun & Clarke, 2006) است که در شش مرحله انجام شد: آشنایی با داده‌ها، تولید کدهای اولیه، جستجوی مضامین، بازبینی مضامین، تعریف و نام‌گذاری مضامین و نگارش گزارش نهایی. از نرم‌افزار مکس کیو دی^۵ برای کدگذاری متون و تولید نقشه مفهومی استفاده شد. معیارهای تمایز مضامین (Mohmmad Reza Hassani Ahangar et al., 2023) شامل تکرار مفاهیم، اهمیت نظری و نقش در تبیین روابط علی بین اقلیم، مهاجرت و پایداری بود.

روایی و پایایی

اعتبار و اعتبارپذیری به واقعی بودن توصیف یافته‌های ارائه شده اشاره دارد و شامل درجه اعتماد به واقعی بودن یافته‌ها، شرکت‌کنندگان و زمینه‌های پژوهش است (M. R. Hassani Ahangar et al., 2023). روایی محتوایی^۶ از طریق بازبینی معیارهای انتخاب، تطبیق موضوعی با سؤالات پژوهش و ارزیابی مقالات توسط دو عضو هیئت علمی دانشگاه در حوزه موضوعی جغرافیا و مهاجرت اقلیمی تأیید شده است. پایایی^۷ از طریق تکرارپذیری کدگذاری و استفاده از نرم‌افزار کدگذار مستقل و همپوشانی در استخراج تم‌ها بین دو پژوهشگر بررسی شد (ضریب توافق بالای ۰/۸۵).

1. Qualitative Research
2. Scopus
3. Web of Science
4. Cross-sectional
5. MAXQDA
6. Content Validity
7. Reliability

یافته‌های پژوهش

در گام اول واحدهای معنایی استخراج شده پس از غربال‌گری مقالات منتخب وارد فرآیند تحلیل مضمون شد. در این بخش گزیده‌ای از واحدهای معنای مضامین پایه استخراج شده مطابق جدول (۳) ارائه شد.

جدول ۳. نمونه‌ای واحدهای معنایی و مضامین مستخرج

ردیف	واحد معنایی	مضمون پایه	منبع (سال)
۱	پژوهش‌ها نشان می‌دهند که با تشدید خشکسالی‌ها، بی‌آبی و نوسانات شدید اقلیمی، جمعیت‌های ساکن در نواحی خشک، نیمه‌خشک یا ساحلی در معرض فرسایش، به سوی مناطق با اقلیم ملایم‌تر، منابع آب پایدارتر و زیرساخت‌های قوی‌تر مهاجرت می‌کنند. این مهاجرت‌ها عمدتاً به‌صورت درون‌کشوری یا منطقه‌ای رخ می‌دهند و مسیرهایی با فاصله کم ولی با اثرگذاری بالا را شکل می‌دهند.	جغرافیای مهاجرت اقلیمی	(Smolenaars et al., 2024)
۲	بیشتر شهرهای مقصد مهاجرت اقلیمی از نظر ظرفیت زیرساختی در زمینه مسکن، حمل‌ونقل، خدمات عمومی و مدیریت منابع، آمادگی لازم برای جذب جمعیت جدید را ندارند. در نتیجه، اسکان مهاجران اغلب در حاشیه شهر، مناطق بدون مجوز یا سکونتگاه‌های غیررسمی صورت می‌گیرد. این روند موجب افزایش آسیب‌پذیری، تقویت فقر شهری و کاهش کیفیت زندگی مهاجران می‌شود.	فشار مهاجرت بر زیرساخت شهری	(Singh, 2022)
۳	بررسی سیاست‌گذاری شهری در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که اغلب برنامه‌های توسعه شهری، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، فاقد درک سیستمی نسبت به پدیده مهاجرت اقلیمی هستند. در بیشتر طرح‌های شهری، مسئله مهاجرت به‌عنوان یک تهدید دیده شده و نه یک فرصت؛ این موضوع منجر به سیاست‌های دفعی، کنترل‌محور و ناپایدار در مواجهه با مهاجران اقلیمی شده است.	ضعف سیاست‌گذاری شهری تطبیقی	(Sirkeci & Cohen, 2022)
۴	یافته‌های پژوهش‌های اخیر تأکید می‌کنند که مهاجرت در برخی شرایط، نه تنها نشانه‌ای از ناتوانی سازگاری نیست، بلکه راهبردی فعال برای انطباق با شرایط اقلیمی محسوب می‌شود. بسیاری از جوامع با تشخیص خطرات محیطی، تصمیم به جابه‌جایی برنامه‌ریزی‌شده می‌گیرند تا آسیب‌های بلندمدت را کاهش دهند و فرصت‌های جدیدی برای معیشت و زندگی بهتر ایجاد کنند.	مهاجرت به‌مثابه سازگاری اقلیمی	(Szaboova et al., 2023)
۵	شهرها در مواجهه با مهاجرت اقلیمی نقش دوگانه‌ای دارند: برخی هم مبدأ مهاجرت هستند و هم مقصد. شهرهای ساحلی و کلان‌شهرهای با اقلیم شکننده، به دلیل افزایش سطح آب دریا یا گرمای شدید، خود مهاجر فرست می‌شوند ولی در عین حال، به دلیل جاذبه اقتصادی یا منابع خدماتی، مقصد مهاجرت داخلی نیز هستند. این دوگانگی مدیریت شهری را پیچیده‌تر می‌سازد.	دوگانگی عملکرد شهرها در مهاجرت	(Łukaniszyn-Domaszewska et al., 2025)
۶	نابرابری در توانایی افراد برای واکنش و سازگاری با تهدیدات اقلیمی، یکی از محورهای اصلی عدالت اقلیمی است. مهاجرت اقلیمی اغلب از سوی افرادی انجام می‌شود که توان جابه‌جایی دارند، درحالی‌که فقیرترین اقشار - که بیشترین آسیب را از اقلیم می‌بینند - مجبور به ماندن در شرایط خطرناک می‌شوند. این شکاف موجب تعمیق نابرابری و افزایش آسیب‌پذیری می‌شود.	نابرابری در ظرفیت انطباق مهاجران	(Akrofi et al., 2023)
۷	مهاجرت اقلیمی به شهرها باعث افزایش شدید تقاضای انرژی، به‌ویژه برق برای سرمایش، تهویه، پمپ‌های آب و حمل‌ونقل عمومی می‌شود. زیرساخت‌های انرژی، به‌ویژه در شهرهای در حال توسعه، غالباً پاسخگوی این جهش ناگهانی تقاضا نیستند. افزایش مصرف همچنین موجب افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای، قطعی برق و افزایش هزینه‌های خانوارهای مهاجر می‌شود.	تشدید فشار بر انرژی شهری	(Taghizadeh-Hesary et al., 2024)

ردیف	واحد معنایی	مضمون پایه	منبع (سال)
۸	مهاجران اقلیمی پس از ورود به شهرها، اغلب با فقدان فرصت‌های شغلی پایدار، نداشتن دسترسی به خدمات اجتماعی تبعیض نهادی روبه‌رو هستند. این شرایط موجب می‌شود که آن‌ها به‌جای بهبود شرایط معیشتی، در حلقه فقر و حاشیه‌نشینی گرفتار شوند. در عین حال، فشار فرهنگی و تضادهای اجتماعی با جوامع میزبان نیز افزایش می‌یابد.	چالش‌های اجتماعی - اقتصادی مهاجرت	(Crescenzi et al., 2023)
۹	نتایج مدل‌سازی FEW-N نشان می‌دهد که مهاجرت اقلیمی منجر به فشار مضاعف بر منابع حیاتی مانند آب، انرژی و غذا در شهرهای مقصد می‌شود. این فشارها در صورت عدم پیش‌بینی مناسب، موجب ناپایداری در خدمات عمومی، افزایش قیمت کالاهای اساسی و نارضایتی اجتماعی خواهد شد. در این شرایط، مدیریت یکپارچه منابع شهری ضروری است.	اختلال در نکسوس منابع شهری	(Ogbolumani & Nwulu, 2023)
۱۰	شهرهایی که در سیاست‌گذاری خود به‌جای پاسخ واکنشی، راهبردهای حکمرانی مشارکتی و تاب‌آور را اتخاذ کرده‌اند، در مواجهه با مهاجرت اقلیمی موفق‌تر عمل کرده‌اند. این راهبردها شامل تقویت ظرفیت نهادی، مشارکت ذی‌نفعان، استفاده از داده‌های اقلیمی و پیش‌بینی‌پذیری سناریوهای آینده است که منجر به افزایش تاب‌آوری بلندمدت شهری شده است.	نقش حکمرانی شهری در مدیریت مهاجرت اقلیمی	(Folke, 2020)

مضامین پایه استخراج شده از واحدهای معنایی مقالات منتخب در گام بعدی در دسته مضامین سازمان دهنده و سپس در سطح کلان‌تر مضامین فراگیر خوشه بندی گردید. براین اساس (۳۵) مضمون پایه دارای واحد معنای مشترک در (۹) مضمون سازمان دهنده و (۳) مضمون فراگیر خوشه بندی شد (جدول ۴).

جدول ۴. شبکه مضامین پژوهش

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	منابع (سال)
پویایی‌های مهاجرت اقلیمی در بستر تغییرات زیست‌محیطی	عوامل اقلیمی مهاجرت	خشکسالی مزمن، سیلاب‌های پی‌درپی، فرسایش ساحلی، گرم شدن مناطق حاشیه‌ای	(Akrofi et al., 2023; Ogbolumani & Nwulu, 2023; Park & van Wyk, 2023; Smolenaars et al., 2024; Toussaint et al., 2022)
	مشخصه‌های اجتماعی مهاجران	مهاجرت خانوادگی، مهاجرت جوانان، مهاجرت معکوس، تأثیر سرمایه اجتماعی	(Bower et al., 2021; Crescenzi et al., 2023; Muccione et al., 2021; Singh, 2022; Szaboova et al., 2023)
	مسیرهای مهاجرتی و جغرافیای حرکت	شهرهای مرزی، حاشیه‌نشینی در کلان‌شهرها، مناطق خشک به معتدل، جابه‌جایی درون‌کشوری	(Danquah et al., 2023; Kibreab, 2023; Łukaniszyn-Domaszewska et al., 2025; Mallick & Etzold, 2020; Siders et al., 2021)
تأثیرات مهاجرت اقلیمی بر تاب‌آوری و پایداری شهری	فشار بر زیرساخت‌های شهری	کمبود مسکن، برق و آب، بارگذاری بیش از حد بر شبکه حمل‌ونقل، رشد مناطق غیررسمی	(Danquah et al., 2023; Huq et al., 2022; Singh, 2022; Smolenaars et al., 2024; Taghizadeh-Hesary et al., 2024)
	نابرابری و آسیب‌پذیری اجتماعی	تبعیض در خدمات، فقر مهاجران، عدم دسترسی به بیمه و آموزش، تضادهای فرهنگی	(Akrofi et al., 2023; Crescenzi et al., 2023; Muccione et al., 2021; Sirkeci & Cohen, 2022; Toussaint et al., 2022)
	چالش همبست آب و منابع	مصرف بی‌رویه منابع، رقابت منابع بین بومیان و مهاجران، افزایش هزینه‌های مصرفی	(Folke, 2020; Ogbolumani & Nwulu, 2023); (Bower et al., 2021; Smolenaars et al., 2024; Taghizadeh-Hesary et al., 2024)
	ضعف سیاست‌های موجود	نبود چشم‌انداز اقلیمی در طرح‌های	(Łukaniszyn-Domaszewska et al., 2025; Mallick & Etzold, 2020;

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	منابع (سال)
در قبال مهاجرت اقلیمی		شهری، بی‌توجهی به داده‌های مهاجرتیواکنش محور بودن	Ogbolumani & Nwulu, 2023; Park & van Wyk, 2023; Sirkeci & Cohen, 2022)
	حکمرانی مشارکتی و چندسطحی	مشارکت ذی‌نفعان محلی، سیاست‌های تطبیقی، استفاده از دانش بومی، بازطراحی نهادی	Crescenzi et al., 2023; Danquah et al., 2023; Folke, 2020; Szaboova et al., 2023; Toussaint et al., 2022
	عدالت اقلیمی و سیاست‌گذاری حمایتی	حمایت از گروه‌های در حاشیه، توزیع منصفانه خدمات، جبران خسارات مهاجران، رویکرد برابری محور	(Akrofi et al., 2023; Bower et al., 2021; Muccione et al., 2021; Siders et al., 2021; Singh, 2022)

براساس جمع‌بندی یافته‌های پژوهش (۳) مضمون فراگیر پژوهش حاضر عبارتند از پویایی‌های مهاجرت اقلیمی در بستر تغییرات زیست‌محیطی، تأثیرات مهاجرت اقلیمی بر تاب‌آوری و پایداری شهری و سیاست‌گذاری تاب‌آور در قبال مهاجرت اقلیمی سازماندهی شد.

پویایی‌های مهاجرت اقلیمی در بستر تغییرات زیست‌محیطی

پدیده مهاجرت اقلیمی برخاسته از تعامل پیچیده میان عوامل طبیعی و اجتماعی است. خشکسالی‌های مزم، افزایش سطح آب دریاها، سیل‌های ناگهانی و سایر تهدیدات اقلیمی، به‌عنوان عوامل مستقیم مهاجرت، موجب جابه‌جایی میلیون‌ها نفر در دهه‌های اخیر شده‌اند. این جابه‌جایی‌ها نه‌تنها تحت تأثیر عوامل اقلیمی، بلکه در هم‌تنیدگی با مشخصه‌های جمعیتی، اجتماعی و فرهنگی مهاجران شکل می‌گیرند؛ به‌طوری‌که سن، جنسیت، سرمایه اجتماعی و ساختار خانوادگی نقش مؤثری در تصمیم به مهاجرت ایفا می‌کنند. از سوی دیگر، الگوهای مهاجرت اغلب در قالب جابه‌جایی‌های درون‌کشوری یا منطقه‌ای و عمدتاً از مناطق روستایی به شهرهای آسیب‌پذیرتر در حال گسترش‌اند. ترکیب این عوامل نشان می‌دهد که مهاجرت اقلیمی یک فرآیند خطی نیست، بلکه بستری چندبعدی دارد که باید از منظر ساختارهای محیطی، انسانی و نهادی تحلیل شود.

تأثیرات مهاجرت اقلیمی بر تاب‌آوری و پایداری شهری

افزایش مهاجرت اقلیمی به شهرها پیامدهای چشمگیری برای پایداری و تاب‌آوری شهری به همراه دارد. از یک سو ورود ناگهانی و فشرده مهاجران به مناطق شهری موجب تشدید فشار بر زیرساخت‌ها، افزایش تقاضای خدمات عمومی و گسترش سکونت‌گاه‌های غیررسمی می‌شود. از سوی دیگر، مهاجران اقلیمی اغلب با نابرابری‌های ساختاری، تبعیض، فقر شهری و حاشیه‌نشینی مواجه‌اند که ظرفیت انطباق اجتماعی آنان را تضعیف می‌کند. این شرایط نه‌تنها منجر به آسیب‌پذیری فردی و خانوادگی می‌شود، بلکه ثبات اجتماعی شهرها را نیز به چالش می‌کشد. افزون بر آن، هم‌زمان با افزایش جمعیت، رقابت فزاینده بر سر منابع حیاتی مانند آب، انرژی و غذا موجب اختلال در همبست آب و منابع شهری و کاهش کارایی سامانه‌های توزیع منابع می‌شود. بنابراین، تاب‌آوری شهری در مواجهه با مهاجرت اقلیمی مستلزم درک یکپارچه از پیوندهای زیست‌محیطی، اجتماعی و نهادی است.

سیاست‌گذاری تاب‌آور در قبال مهاجرت اقلیمی

شهرها به‌منظور مدیریت مؤثر مهاجرت اقلیمی، نیازمند بازنگری جدی در سیاست‌گذاری‌های خود هستند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که سیاست‌های موجود در بسیاری از کشورها عمدتاً واکنشی، کوتاه‌مدت و فاقد چشم‌انداز اقلیمی هستند و توان پاسخ‌گویی به پویایی‌های پیچیده مهاجرت زیست‌محیطی را ندارند. در مقابل، الگوهای حکمرانی مشارکتی و چندسطحی، که در آن ذی‌نفعان محلی، داده‌های علمی و دانش بومی در فرآیند تصمیم‌سازی مشارکت دارند، قابلیت بالاتری در مواجهه با این چالش‌ها از خود نشان داده‌اند. علاوه بر این، سیاست‌گذاری اقلیمی باید به عدالت اجتماعی نیز توجه داشته باشد؛ بدین معنا که سیاست‌ها نباید صرفاً بر بهره‌وری یا کنترل جمعیت تمرکز کنند، بلکه باید به حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر، بازتوزیع منابع و کاهش تبعیض بپردازند. در مجموع، سیاست‌گذاری کارآمد در این حوزه باید در تقاطع پایداری، تاب‌آوری و عدالت اقلیمی طراحی و پیاده‌سازی شود.

بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل مضمون پژوهش حاضر که بر پایه بررسی (۲۵) پژوهش علمی بین‌المللی انجام شد، بیانگر آن است که مهاجرت اقلیمی نه یک رخداد منفرد، بلکه پدیده‌ای ساختاری و چندوجهی است که در پیوند با دینامیک‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و نهادی شکل می‌گیرد. یافته‌ها حاکی از آن است که تهدیدات اقلیمی نظیر خشکسالی، سیلاب، فرسایش ساحلی و گرمایش هوا، به‌ویژه در مناطق جغرافیایی شکننده، به‌طور مستقیم موجب جابه‌جایی افراد و خانوارها می‌شوند. این نتیجه با مطالعاتی همچون (Muccione et al., 2021) و (Akrofi et al., 2023) هم‌راستا است که تأکید دارند مهاجرت، اغلب یک راهبرد سازگاری فعال و نه صرفاً واکنشی در برابر بحران‌هاست.

از منظر اجتماعی، یافته‌ها نشان می‌دهند که مهاجران اقلیمی عمدتاً متعلق به گروه‌های کم‌برخوردار، فاقد حمایت نهادی و اغلب دارای سطح پایین‌تری از سرمایه اجتماعی هستند. این امر ظرفیت انطباق آنان را در شهرهای مقصد تضعیف می‌کند و آنان را در معرض تبعیض، بیکاری، بی‌خانمانی و آسیب‌پذیری مضاعف قرار می‌دهد (Crescenzi et al., 2023; Szaboova et al., 2023). از سوی دیگر، الگوهای مهاجرت عمدتاً از مناطق روستایی به نواحی شهری انجام می‌شود؛ این نکته با پژوهش‌های (Bower et al., 2021) و (Łukaniszyn-Domaszewska et al., 2025) هم‌راستا است که تأکید دارند کلان‌شهرهای در حال توسعه به‌کانون اصلی مهاجرت اقلیمی بدل شده‌اند. پیامدهای این مهاجرت‌ها برای شهرها بسیار گسترده‌اند. نخست، یافته‌ها نشان می‌دهند که ورود جمعیت جدید بدون آمادگی زیرساختی، منجر به گسترش سکونت‌گاه‌های غیررسمی، تشدید فشار بر منابع و کاهش کیفیت خدمات عمومی می‌شود (Singh, 2022; Taghizadeh-Hesary et al., 2024). دوم، افزایش رقابت بر سر منابع پایه‌ای مانند آب، انرژی و غذا در شهرها، به تشدید تنش‌های اجتماعی و شکنندگی همبست آب و منابع منجر می‌شود. شهری انجامیده است (Ogbolumani & Nwulu, 2023). این یافته‌ها با مدل‌های پایداری شهری هماهنگ است که بر ضرورت مدیریت یکپارچه و آینده‌نگر منابع تأکید دارند.

در بعد سیاست‌گذاری، پژوهش حاضر نشان داد که سیاست‌های فعلی اغلب فاقد چارچوب تاب‌آور، مشارکتی و اقلیم‌محور هستند. یافته‌ها نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران عموماً با رویکرد واکنشی و کنترل‌محور با مهاجرت زیست‌محیطی مواجه می‌شوند، در حالی که رویکردهای مبتنی بر حکمرانی مشارکتی، داده‌محور و عدالت اقلیمی می‌توانند ظرفیت شهرها را در مواجهه با این چالش بهبود دهند (Folke, 2020; Taghizadeh-Hesary et al., 2024). همچنین، عدالت اقلیمی به‌عنوان یکی از محورهای برجسته سیاست‌گذاری باید مورد توجه ویژه قرار گیرد؛ به‌ویژه در حمایت از اقشار آسیب‌پذیر مهاجر و توزیع عادلانه منابع. برخلاف

برخی مطالعات قبلی که مهاجرت را عمدتاً تهدیدی برای توسعه پایدار می‌دانستند (Sirkeci & Cohen, 2022)، نتایج این پژوهش تأکید دارد که مهاجرت اقلیمی در صورت مدیریت هوشمندانه و تلفیق با سیاست‌های شهری می‌تواند به فرصت‌هایی برای بازسازی زیرساخت، تنوع اقتصادی و تحول اجتماعی منجر شود. این امر مستلزم رویکردی آینده‌نگر، بین‌رشته‌ای و مبتنی بر داده‌های اقلیمی و اجتماعی است. تلفیق یافته‌های این پژوهش با ادبیات نظری، نشان می‌دهد که تحلیل مضمون در حوزه مهاجرت اقلیمی می‌تواند درک چندسطحی و پویایی از این پدیده را فراهم آورد. این رویکرد به‌ویژه در ترکیب سطوح خرد (خانوار) و کلان (سیاست) قابلیت بالایی برای استخراج مدل‌های نظری و پیشنهاد‌های کاربردی دارد. در نتیجه، این پژوهش می‌تواند بستری نظری و تجربی برای سیاست‌گذاری شهری تاب‌آور و پاسخ‌گو نسبت به مهاجرت اقلیمی فراهم سازد. این پژوهش با ترسیم یک نقشه مفهومی از مضامین سه‌لایه‌ای مهاجرت اقلیمی، بستری نظری برای پژوهش‌های آتی و تصمیم‌گیری‌های سیاستی فراهم می‌آورد. بر این اساس، پژوهشگران می‌توانند با تمرکز بر مناطق آسیب‌پذیر و استفاده از روش‌های ترکیبی، مدل‌هایی دقیق‌تر از دینامیک‌های اقلیمی - شهری - اجتماعی استخراج کنند. همچنین سیاست‌گذاران و مدیران شهری باید با نگاه میان‌رشته‌ایو با استفاده از داده‌های اقلیمی، اجتماعی و مکانی، چارچوب‌های جامع‌تری برای تاب‌آوری شهری طراحی و اجرا کنند.

بنابراین، اگرچه مهاجرت اقلیمی در بسیاری از مطالعات به‌عنوان یک تهدید مطرح شده، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در صورت وجود حکمرانی هوشمند، داده‌محور و مشارکتی، می‌توان آن را به فرصت‌هایی برای تحول اجتماعی، بازتعریف توسعه و تقویت تاب‌آوری شهری بدل ساخت. این امر مستلزم پیوند نظریه و عمل، توجه هم‌زمان به عدالت و کاراییو حرکت به‌سوی سیاست‌گذاری‌های یکپارچه اقلیمی - شهری است.

References

- Akrofi, M. M., Ameyaw, B., & Eshun, J. F. (2023). Energy justice in Africa: Displacement and migration from renewable energy projects. *Energy Research & Social Science*, 103, 103278.
- Barnwell, G., & Wood, N. (2022). Climate justice is central to addressing the climate emergency's psychological consequences in the Global South: a narrative review. *South African Journal of Psychology*, 52(4), 486–497. <https://doi.org/10.1177/00812463211073384>
- Betzold, C., & Weiler, F. (2017). Allocation of aid for adaptation to climate change: Do vulnerable countries receive more support? *International Environmental Agreements: Politics, Law and Economics*, 17(1), 17–36. <https://doi.org/10.1007/s10784-016-9343-8>
- Black, R., Bennett, S. R. G., Thomas, S. M., & Beddington, J. R. (2011). Migration as adaptation. *Nature*, 478(7370), 447–449.
- Bower, E., Weerasinghe, S., & Zickgraf, C. (2021). Migration in response to environmental risks in coastal cities. *Environmental Science & Policy*, 118, 25–33.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77–101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>
- Carlier, J. Y., Brauch, H. G., Oswald Spring, U., Mesjasz, C., Grin, J., & Krummenacher, H. (2021). Environmental displacement and policy frameworks. *International Review of Environmental Law*, 45(2), 155–172.
- Crescenzi, R., Rodríguez-Pose, A., & Storper, M. (2023). Migration, regional development and energy transitions. *Regional Studies*, 57(4), 568–585.
- Danquah, L., Brown, D. R., & Codjoe, S. N. (2023). Urban flooding and climate migrants: Implications for resilience in West Africa. *Cities*, 135, 104329.
- Folke, C. (2020). Resilience and sustainability: Global trends. *Ecology and Society*, 25(3), 23.
- Hasani Ahangar, M. R., tavallae, R., Shadmanfar, M. H., & alipur, m. (2024). Presenting the staffing model of civilization maker University based on the intellectual system of Imam Khamenei. *Research in Islamic Education Issues*, 32(64), 11–44.
- Hassani Ahangar, M. R., Tavallaei, R., & Shadmanfar, M. H. (2023). Presenting the model of a wise core - a capable network for the role-playing of universities in the knowledge management of modern Islamic civilization issues based on imam khamenei's thought. *Strategic Management of Organizational Knowledge*, 6(4), 21–48. <https://doi.org/10.47176/smok.2023.1659>
- Hassani Ahangar, M. R., Tavallaei, R., Shadmanfar, M. H., & Mohammadi, M. (2023). Presenting the local system of promotion of faculty members of universities based on the intellectual system of the Supreme Leader. *Journal of Research in Human Resources Management*, 15(1), 53–97.
- Huq, S., Rahman, A., & Ayers, J. (2022). Migration as an adaptation strategy in Bangladesh: Policy reflections. *Climatic Change*, 173(1), 18.
- Kibreab, G. (2023). Environmental degradation, forced migration and urban development: A case from Sub-Saharan Africa. *International Migration Review*, 57(2), 289–312.
- Łukaniszyn-Domaszewska, K., Mazur-Włodarczyk, K., & Łukaniszyn, M. (2025). Unveiling the interrelations between migration, climate change, and energy transitions. *Energies*, 18(7), 1625.
- Mallick, B., & Etzold, B. (2020). Environmental migration and social inequalities: Interlinkages and policy implications. *Migration and Development*, 9(3), 442–460.
- Miller, F., & Dun, O. (2019). Resettlement and the environment in Vietnam: Implications for climate change adaptation planning. *Asia Pacific Viewpoint*, 60(2), 132–147. <https://doi.org/https://doi.org/10.1111/apv.12228>
- Muccione, V., Perrin, N., & Huggel, C. (2021). Multiple risks and impacts of climate change on migration. *Nature Climate Change*, 11, 659–667. <https://doi.org/10.1038/s41558-021-01038-4>
- Ogbolumani, O. A., & Nwulu, N. I. (2023). Modelling resource allocation under environmental migration: A FEW-N approach. *Sustainable Cities and Society*, 94, 104654. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2023.104654>
- Ottenburger, S. S., Cox, R., Chowdhury, B. H., Trybushnyi, D., Omar, E. A., Kaloti, S. A., Ufer, U., Poganietz, W.-R., Liu, W., Deines, E., Müller, T. O., Möhrle, S., & Raskob, W. (2024). Sustainable urban transformations based on integrated microgrid designs. *Nature Sustainability*, 7(8), 1067–1079. <https://doi.org/10.1038/s41893-024-01395-7>
- Park, K., & van Wyk, B. (2023). Climate mobility governance and urban displacement: South–South dynamics. *Environment and Planning C: Politics and Space*, 41(1), 89–109. <https://doi.org/10.1177/23996544221142133>
- Salameh, M., & Touqan, B. (2024). Designing Climate-Adaptive Buildings: Impact of Courtyard Geometry on Microclimates in Hot, Dry Environments. *Civil Engineering Journal*, 10(8), 2698–2718. <https://doi.org/10.28991/CEJ-2024-010-08-017>
- Shadmanfar, M., & Alipoor, M. (2024). Presenting the conceptual framework of Islamic governance in the Testament of Amir al-Musminin to Malik bin Harith Nakhai. *New researches in Islamic humanities studies*, 3(5), 121–139. <https://doi.org/10.22034/api.2024.2039576.1048>
- Shadmanfar, M. H. (2025). Dimensions and components of implementing public policies in Islamic Revolution institutions; Case study: Islamic Revolution Housing Foundation. *Scientific Journal of Islamic Management*, 32(3), 11–36.

- Siders, A. R., Hino, M., & Mach, K. J. (2021). The case for strategic and managed climate retreat. *Science*, 372(6548), 1287–1290. <https://doi.org/10.1126/science.abi6595>
- Singh, P. (2022). Urban climate vulnerability and internal migration: A systems perspective. *Cities*, 122, 103520. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.103520>
- Sirkeci, I., & Cohen, J. H. (2022). Environmental mobility and urban response. *Journal of Environmental Planning and Management*, 65(11), 2024–2041. <https://doi.org/10.1080/09640568.2021.1992079>
- Smolenaars, W. J., Talukder, B., & Biemans, H. (2024). Energy demands and urban displacement under climate change scenarios. *Energy Policy*, 186, 113273. <https://doi.org/10.1016/j.enpol.2024.113273>
- Szaboova, L., Prakash, A., Singh, R., & Zwarteveen, M. (2023). Migration as adaptation: Pathways, challenges, and trade-offs. *Global Environmental Change*, 78, 102651. <https://doi.org/10.1016/j.gloenvcha.2022.102651>
- Taghizadeh-Hesary, F., Shahbaz, M., & Rasoulinezhad, E. (2024). The role of renewable energy in sustainable migration in Asia. *Renewable Energy*, 208, 1234–1247. <https://doi.org/10.1016/j.renene.2024.04.034>
- Toussaint, P., Sagoe, R. Y., & Owusu, G. (2022). Urban governance for climate-induced migration in Africa: Pathways to transformation. *Urban Climate*, 41, 101076. <https://doi.org/10.1016/j.uclim.2022.101076>
- Wang, G., Shi, X., Cui, H., & Jiao, J. (2020). Impacts of Migration on Urban Environmental Pollutant Emissions in China: A Comparative Perspective. *Chinese Geographical Science*, 30(1), 45–58. <https://doi.org/10.1007/s11769-020-1096-1>

